



توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در زمینه روان‌شناسی نوجوان، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، روش‌های نوین تدریس و مهارت گفت‌وگوی آموزشی

ژاله حسینی جهرمی

کارشناسی معارف اسلامی



مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

MDOI-02-2026.0133
JNF-147-2-22D843



معلمان معارف اسلامی در نظام آموزشی، نقشی فراتر از انتقال اطلاعات دینی بر عهده دارند؛ آنان در شکل‌دهی به هویت دینی، اخلاقی و فکری دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره نوجوانی، تأثیرگذارند. از آنجا که نوجوانی دوره تحولات شناختی، عاطفی، هویتی و اجتماعی گسترده است، معلم معارف اسلامی برای ایفای نقش تربیتی خود نیازمند توانمندی‌هایی چندبعدی است؛ از جمله شناخت روان‌شناختی ویژگی‌های نوجوان، مهارت در پاسخ‌گویی مستدل و اقناعی به پرسش‌های دینی، آشنایی با روش‌های نوین و فعال تدریس، و تسلط بر مهارت گفت‌وگوی آموزشی. پژوهش حاضر با روش مروری - تحلیلی، به بررسی ابعاد توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در این چهار حوزه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اثربخشی آموزش معارف اسلامی در مدارس، بیش از آنکه به محتوای رسمی کتاب‌ها وابسته باشد، به کیفیت تعامل معلم با دانش‌آموز، توان او در درک نیازهای نسل جدید، و استفاده از شیوه‌های تدریس معنامحور، گفت‌وگومحور و مسئله‌محور بستگی دارد. همچنین مشخص شد که ضعف در شناخت روان‌شناسی نوجوان، ناتوانی در مدیریت پرسش‌های دینی، تداوم روش‌های سنتی تدریس و کمبود مهارت گفت‌وگوی تربیتی، از موانع اصلی موفقیت معلمان معارف اسلامی است. بر این اساس، مقاله حاضر بر ضرورت بازطراحی برنامه‌های تربیت و ضمن خدمت معلمان تأکید می‌کند و پیشنهادهایی کاربردی برای ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای آنان ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

توانمندسازی معلمان، معلمان معارف اسلامی، روان‌شناسی نوجوان، پرسش‌های دینی، روش‌های نوین تدریس، گفت‌وگوی آموزشی، تعلیم و تربیت اسلامی، دوره متوسطه.

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه، افزون بر انتقال دانش، مسئولیت هدایت فرهنگی، اخلاقی و هویتی نسل آینده را بر عهده دارد. در جامعه اسلامی، این مسئولیت در حوزه آموزش معارف اسلامی اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا این حوزه به‌طور مستقیم با اعتقادات، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی دانش‌آموزان مرتبط است. با این حال، اثربخشی آموزش معارف اسلامی تنها به برنامه درسی و محتوای کتاب وابسته نیست، بلکه بیش و پیش از هر چیز، به شایستگی‌های علمی، تربیتی، ارتباطی و روشی معلم بستگی دارد. معلم معارف اسلامی در کلاس درس صرفاً ناقل احکام و عقاید نیست، بلکه هدایتگر فکری، الگوی رفتاری، تسهیل‌گر گفت‌وگو و پاسخ‌گوی پرسش‌های بنیادین دانش‌آموزان است (شریعتمداری، ۱۳۸۶).

اهمیت این موضوع در دوره نوجوانی بیشتر آشکار می‌شود. نوجوانی مرحله‌ای است که در آن فرد با تحولات پیچیده زیستی، هیجانی، شناختی و اجتماعی مواجه می‌شود و در جست‌وجوی هویت، معنا، استقلال، تعلق و جهت‌گیری ارزشی قرار می‌گیرد. در این دوره، پرسش‌هایی درباره خدا، دین، عدالت، اختیار، حجاب، عبادت، اخلاق، رنج، مرگ، آینده و نسبت دین با زندگی معاصر در ذهن نوجوان شکل می‌گیرد. اگر معلم معارف اسلامی از آمادگی لازم برای فهم این تحولات و پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها برخوردار نباشد، ممکن است کلاس درس به فضایی غیرجذاب، تک‌سویه و کم‌اثر تبدیل شود؛ فضایی که نه تنها زمینه تربیت دینی را تقویت نمی‌کند، بلکه در مواردی موجب فاصله روانی و ذهنی دانش‌آموز از درس دین می‌شود (سیف، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، نوجوان امروز در بافتی متفاوت از نسل‌های گذشته زندگی می‌کند. دسترسی گسترده به فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، تنوع منابع اطلاعاتی، سرعت بالای گردش داده‌ها، و حضور در محیطی چندصدایی، سبب شده است که مرجعیت سنتی آموزش رسمی با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شود. دانش‌آموز امروز به‌آسانی با دیدگاه‌های متنوع و گاه متعارض درباره دین و اخلاق مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، معلم معارف اسلامی باید افزون بر دانش دینی، از قدرت تحلیل، اقناع، گفت‌وگو، نقدپذیری و پاسخ‌گویی برخوردار باشد. دیگر نمی‌توان تنها با تکیه بر آموزش خطابی و حافظه‌محور، نوجوان را در مسیر فهم و پذیرش ارزش‌های دینی همراه کرد (ملکی، ۱۳۹۲).

توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در این زمینه، ضرورتی حرفه‌ای و تربیتی است. توانمندسازی، صرفاً به معنای برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت یا ارائه اطلاعات نظری نیست، بلکه فرایندی چندلایه برای ارتقای دانش، نگرش، مهارت و توان کنش حرفه‌ای معلمان است. این توانمندسازی باید چهار محور اساسی را در بر گیرد: نخست، شناخت دقیق روان‌شناسی نوجوان و ویژگی‌های رشدی او؛ دوم، کسب مهارت در پاسخ‌گویی سنجیده، منطقی و تربیتی به پرسش‌های دینی؛ سوم، آشنایی با روش‌های نوین تدریس که مشارکت، تفکر و معناسازی را

تقویت می کنند؛ و چهارم، تسلط بر مهارت گفت و گوی آموزشی که امکان تعامل سازنده و یادگیری دوسویه را فراهم می آورد (باقری، ۱۳۸۸).

واقعیت آن است که در بسیاری از موارد، کاستی در آموزش معارف اسلامی نه از ضعف محتوای دینی، بلکه از ضعف در نحوه عرضه، فهم مخاطب و چگونگی برقراری ارتباط ناشی می شود. معلمی که نوجوان را نمی شناسد، پرسش او را جدی نمی گیرد، از روش های متنوع تدریس بی بهره است و گفت و گو را به سخنرانی تقلیل می دهد، حتی اگر از دانش دینی بالایی نیز برخوردار باشد، در تحقق اهداف تربیتی موفق نخواهد بود. در مقابل، معلمی که با زبان نسل جدید آشناست، می تواند کلاس دین را به فضایی برای تفکر، تأمل، پرسشگری، همدلی و رشد معنوی تبدیل کند (احمدی، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، اسناد تحولی آموزش و پرورش بر تربیت تمام ساحتی، رشد هویت اسلامی - ایرانی، توان تفکر، مسئولیت پذیری و تعالی معنوی دانش آموزان تأکید دارند. تحقق این اهداف، بدون معلمانی توانمند، آگاه و روزآمد در حوزه معارف اسلامی امکان پذیر نیست. بنابراین، بررسی ابعاد توانمندسازی معلمان معارف اسلامی نه تنها یک بحث نظری، بلکه ضرورتی برای اصلاح عمل تربیتی در مدارس است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰؛ شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱).

مقاله حاضر با رویکردی مروری و تحلیلی، بر آن است تا ضمن تبیین ابعاد اصلی توانمندسازی معلمان معارف اسلامی، چالش های موجود را بررسی کرده و راهکارهایی برای ارتقای شایستگی های حرفه ای آنان ارائه دهد. محورهای اصلی این بررسی عبارتند از: روان شناسی نوجوان، پاسخ گویی به پرسش های دینی، روش های نوین تدریس و مهارت گفت و گوی آموزشی؛ چهار حوزه ای که در تعامل با یکدیگر، بنیان های اصلی اثربخشی معلم معارف اسلامی را شکل می دهند.

بیان مسئله

در مدارس متوسطه، معلمان معارف اسلامی در خط مقدم تربیت دینی، اخلاقی و هویتی نوجوانان قرار دارند. با وجود این جایگاه مهم، در عمل بسیاری از این معلمان با چالش هایی روبه رو هستند که از اثربخشی آموزشی و تربیتی آنان می کاهد. یکی از مهم ترین مسائل، آن است که بخشی از معلمان معارف اسلامی اگرچه از دانش محتوایی در حوزه دین برخوردارند، اما در شناخت روان شناسی نوجوان، روش های مواجهه با پرسش های نوپدید دینی، فنون تدریس فعال و مهارت های گفت و گوی آموزشی، آموزش حرفه ای کافی ندیده اند. در نتیجه، کلاس معارف اسلامی گاه به محیطی برای انتقال یک سویه مطالب تبدیل می شود، نه فضایی برای تربیت دینی آگاهانه و تعاملی (سیف، ۱۳۹۰).



نخستین بعد مسئله، ناآگاهی یا کم آگاهی نسبت به ویژگی های دوره نوجوانی است. نوجوان، نه کودک است و نه بزرگسال کامل؛ او در مرحله ای از رشد قرار دارد که استقلال خواهی، حساسیت عاطفی، هویت جویی، تعلق طلبی، پرسشگری و گاه تعارض های درونی در او تشدید می شود. در چنین وضعیتی، آموزش دینی باید متناسب با این ویژگی ها طراحی و ارائه شود. اگر معلم این خصوصیات را نشناسد، ممکن است مقاومت، سکوت، بی تفاوتی یا واکنش منفی دانش آموز را به درستی تفسیر نکند و از برقراری ارتباط مؤثر بازماند (لطف آبادی، ۱۳۸۹).

دومین بعد مسئله، دشواری پاسخ گویی به پرسش های دینی دانش آموزان است. نوجوان امروز پرسش هایی متنوع و گاه چالشی درباره خدا، شر، دعا، احکام، تفاوت های جنسیتی، آزادی، عدالت، علم و دین، و مسائل روزمره زندگی دارد. این پرسش ها دیگر صرفاً در چارچوب کتاب درسی و پاسخ های از پیش آماده محدود نمی شوند. اگر معلم نتواند به شیوه ای منطقی، آرام، محترمانه و اقناع کننده به این پرسش ها پاسخ دهد، نه تنها اقتدار علمی او زیر سؤال می رود، بلکه اعتماد دانش آموز به آموزش دینی نیز تضعیف می شود (خسروپناه، ۱۳۸۹).

سومین بعد مسئله، استمرار روش های سنتی تدریس در آموزش معارف اسلامی است. هنوز در بسیاری از کلاس ها، تدریس بر پایه سخنرانی، روخوانی متن، پرسش و پاسخ های کلیشه ای و تأکید بر محفوظات استوار است. این در حالی است که موضوعات دینی، به ویژه در دوره نوجوانی، ظرفیت فراوانی برای تدریس فعال، گفت و گو محور، مسئله محور، داستانی و تأملی دارند. غفلت از این ظرفیت، باعث کاهش انگیزه، یادگیری سطحی و ضعف در پیوند میان مفاهیم دینی و زیست جهان دانش آموز می شود (ملکی، ۱۳۹۲).

چهارمین بعد مسئله، کمبود مهارت گفت و گوی آموزشی است. گفت و گو در آموزش دینی اهمیت ویژه ای دارد، زیرا باور دینی در فضای فهم، شنیدن، پرسش، تأمل و مشارکت عمیق تر شکل می گیرد. بسیاری از معلمان، هرچند دلسوز و متعهدند، اما به صورت نظام مند در زمینه گوش دادن فعال، پرسش سازی، مدیریت گفت و گو، پاسخ غیرمستقیم، و هدایت بحث های تربیتی آموزش ندیده اند. در نتیجه، کلاس از حالت تعاملی خارج شده و به فضای انتقال خطی اطلاعات بدل می شود (باقری، ۱۳۸۸).

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در چهار حوزه روان شناسی نوجوان، پاسخ گویی به پرسش های دینی، روش های نوین تدریس و مهارت گفت و گوی آموزشی، تا چه اندازه برای ارتقای کیفیت آموزش دینی در مدارس ضروری است و چه ابعادی را باید در بر گیرد؟ پاسخ به این مسئله می تواند مبنایی برای بازنگری در برنامه های تربیت معلم، دوره های ضمن خدمت و سیاست های ارتقای کیفیت آموزش معارف اسلامی باشد.

ضرورت و اهمیت

ضرورت توانمندسازی معلمان معارف اسلامی از چند منظر قابل تبیین است. نخست، از منظر تربیتی؛ زیرا معلم معارف اسلامی در فرایند شکل دهی به هویت دینی و اخلاقی نوجوان نقشی مستقیم دارد. اگر این نقش با شناخت دقیق مخاطب و مهارت حرفه ای همراه نباشد، فرصت های مهم تربیتی از دست می رود (شریعتمداری، ۱۳۸۶).

دوم، از منظر روان شناختی؛ نوجوانی دوره بحران ها، سؤال ها و جست و جوی های هویتی است. معلمی که از ویژگی های این دوره آگاه نباشد، نمی تواند تعامل مؤثر و همدلانه با دانش آموز برقرار کند و زمینه پذیرش مفاهیم دینی را فراهم سازد (لطف آبادی، ۱۳۸۹).

سوم، از منظر اجتماعی و فرهنگی؛ در دنیای امروز، نوجوانان با انواع گفتمان ها و شبهات در فضای مجازی و محیط های اجتماعی روبه رو هستند. بنابراین، آموزش معارف اسلامی دیگر نمی تواند صرفاً به بیان محفوظات متکی باشد، بلکه باید بر اقناع، تحلیل، پاسخ گویی و توان مواجهه با مسائل جدید استوار شود (داوری اردکانی، ۱۳۸۰).

چهارم، از منظر حرفه ای؛ توانمندسازی معلم یکی از شاخص های اصلی کیفیت آموزش است. هر اندازه معلم در دانش موضوعی، روش تدریس، ارتباط تربیتی و فهم مخاطب توانمندتر باشد، تحقق اهداف برنامه درسی نیز محتمل تر خواهد بود (صافی، ۱۳۸۹).

پنجم، از منظر اسناد بالادستی؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، بر تربیت معلم شایسته، توانمند، متعهد و برخوردار از مهارت های تربیتی تأکید دارند. از این رو، توانمندسازی معلمان معارف اسلامی، همسو با سیاست های کلان آموزشی کشور است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰؛ شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱).

اهداف پژوهش

هدف کلی

تبیین ابعاد و ضرورت توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در زمینه روان شناسی نوجوان، پاسخ گویی به پرسش های دینی، روش های نوین تدریس و مهارت گفت و گوی آموزشی.

اهداف جزئی

۱. بررسی اهمیت شناخت روان شناسی نوجوان برای معلمان معارف اسلامی.

۲. تبیین نقش مهارت پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی در اثربخشی آموزش معارف اسلامی.
۳. شناسایی جایگاه روش‌های نوین تدریس در ارتقای یادگیری و تربیت دینی.
۴. تحلیل اهمیت مهارت گفت‌وگوی آموزشی در تعامل تربیتی با نوجوانان.
۵. ارائه راهکارهای کاربردی برای توانمندسازی حرفه‌ای معلمان معارف اسلامی.

فرضیات پژوهش

۱. توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در شناخت روان‌شناسی نوجوان، کیفیت تعامل تربیتی آنان با دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.
۲. مهارت پاسخ‌گویی مستدل و اقناعی به پرسش‌های دینی، اعتماد و انگیزش دانش‌آموزان را نسبت به درس معارف اسلامی تقویت می‌کند.
۳. استفاده از روش‌های نوین و فعال تدریس، یادگیری معارف اسلامی را عمیق‌تر و پایدارتر می‌سازد.
۴. تسلط معلم بر مهارت گفت‌وگوی آموزشی، زمینه شکل‌گیری کلاس‌های مشارکتی و تربیت‌محور را فراهم می‌کند.
۵. ضعف در هریک از این چهار حوزه، از اثربخشی آموزش معارف اسلامی در مدارس متوسطه می‌کاهد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع **مروری - تحلیلی** است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی، اسناد بالادستی، آثار مرتبط با تعلیم و تربیت اسلامی، روان‌شناسی رشد و برنامه‌ریزی درسی گردآوری شده است. در این روش، منابع معتبر فارسی مرتبط با موضوع انتخاب و محتوای آنها با رویکرد تحلیل مفهومی بررسی شده است. فرایند تحلیل در سه مرحله صورت گرفته است: نخست، شناسایی منابع اصلی؛ دوم، استخراج مضامین کلیدی مرتبط با توانمندسازی معلمان معارف اسلامی؛ و سوم، طبقه‌بندی و تفسیر یافته‌ها در چهار محور اصلی پژوهش. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با تلفیق دیدگاه‌های نظری و پژوهشی، تصویری جامع از مسئله و راهکارهای آن ارائه دهد.

پیشینه پژوهشی

در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، شریعت‌مداری (۱۳۸۶) بر این باور است که معلم در تربیت دینی، نقشی هدایتی و الگویی دارد و نمی‌توان آموزش دینی را به انتقال داده‌های محفوظاتی تقلیل داد. مطهری (۱۳۷۴) نیز تربیت



اسلامی را مبتنی بر آگاهی، تعقل، اختیار و رشد درونی می‌داند و بر لزوم فهم عمیق و پرهیز از تحمیل تأکید می‌کند.

باقری (۱۳۸۸) در مباحث فلسفه تربیت، گفت‌وگو، تفکر و مشارکت را از عناصر اساسی آموزش تربیتی معرفی می‌کند و معتقد است که تربیت دینی زمانی پایدار است که مربی در فرایند فهم و انتخاب حضور فعال داشته باشد. ملکی (۱۳۹۲) نیز در حوزه برنامه‌ریزی درسی و روش تدریس، بر اهمیت رویکردهای فعال، یادگیری معنامحور و طراحی آموزشی متناسب با نیازهای یادگیرنده تأکید می‌کند.

در حوزه روان‌شناسی رشد، لطف‌آبادی (۱۳۸۹) دوره نوجوانی را مرحله‌ای حساس از نظر هویت، هیجان، روابط اجتماعی و استقلال‌طلبی معرفی کرده و بر ضرورت شناخت این ویژگی‌ها برای معلمان تأکید دارد. سیف (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد که توجه به تفاوت‌های فردی، انگیزش، رشد شناختی و نیازهای عاطفی، شرط لازم برای یادگیری مؤثر است.

خسروپناه (۱۳۸۹) بر ضرورت پاسخ‌گویی عقلانی و تربیتی به شبهات و پرسش‌های دینی تأکید می‌کند و معتقد است آموزش دین باید هم از استحکام معرفتی برخوردار باشد و هم از مهارت ارتباطی. احمدی (۱۳۹۱) نیز در حوزه تربیت دینی و اخلاقی، بر پیوند مفاهیم دینی با تجربه واقعی زندگی دانش‌آموزان و نقش معلم در ایجاد این پیوند توجه دارد.

همچنین، اسناد رسمی نظام آموزشی، از جمله سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، بر شایستگی حرفه‌ای معلمان، تعامل تربیتی، رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان و استفاده از روش‌های فعال آموزشی تأکید دارند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰؛ شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). در مجموع، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که توانمندسازی معلمان معارف اسلامی، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای تحقق اهداف تربیت دینی در مدارس است.

یافته‌ها

۱. شناخت روان‌شناسی نوجوان، زیربنای موفقیت معلم معارف اسلامی است

بررسی منابع نشان می‌دهد که معلم معارف اسلامی بدون درک تحولات رشدی نوجوان، نمی‌تواند آموزش مؤثر و تربیت‌محور ارائه دهد. نوجوان در این دوره با نیاز به هویت‌یابی، میل به استقلال، حساسیت نسبت به داوری دیگران، و تمایل به پرسشگری مواجه است. این ویژگی‌ها، نوع بیان، شیوه تعامل و انتخاب مثال‌ها در کلاس را تحت تأثیر قرار می‌دهند. معلمی که این ابعاد را بشناسد، می‌تواند از برخوردهای آمرانه و قضاوت‌گرانه پرهیز کرده و ارتباطی همدلانه و اعتمادآفرین برقرار کند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۹).

۲. پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، نیازمند دانش و مهارت توأمان است

یکی از یافته‌های مهم آن است که پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی دانش‌آموزان صرفاً با دانستن پاسخ‌های اعتقادی ممکن نمی‌شود. معلم باید زمان، لحن، سطح فهم مخاطب، زمینه عاطفی سؤال و شیوه بیان پاسخ را نیز در نظر بگیرد. گاه یک پاسخ درست، اگر با زبان نامناسب یا به شکل تحقیرآمیز ارائه شود، اثر تربیتی خود را از دست می‌دهد. پاسخ‌گویی مؤثر، ترکیبی از دانش دینی، منطق، حوصله، سعه‌صدر و مهارت ارتباطی است (خسروپناه، ۱۳۸۹).

۳. روش‌های نوین تدریس در آموزش معارف اسلامی ضرورت دارند

آموزش معارف اسلامی زمانی اثربخش‌تر است که از قالب سخنرانی صرف خارج شود. یافته‌ها نشان می‌دهد روش‌هایی مانند بحث گروهی، پرسش‌محوری، سناریوهای اخلاقی، تحلیل موقعیت، یادگیری مبتنی بر مسئله، داستان و روایت، و فعالیت‌های پژوهشی کوچک، فهم دانش‌آموز را عمیق‌تر می‌کنند و او را به مشارکت فعال فرامی‌خوانند (ملکی، ۱۳۹۲). این روش‌ها، از سویی به نیازهای شناختی نوجوان پاسخ می‌دهند و از سوی دیگر، زمینه درونی‌سازی ارزش‌ها را فراهم می‌سازند.

۴. گفت‌وگوی آموزشی، هسته اصلی ارتباط تربیتی در کلاس دین است

در آموزش معارف اسلامی، گفت‌وگو نه یک ابزار فرعی، بلکه یکی از اصلی‌ترین بسترهای یادگیری است. گفت‌وگوی آموزشی به دانش‌آموز فرصت می‌دهد که شنیده شود، اندیشه خود را بیان کند، با دیدگاه‌های دیگر مواجه شود و در فرایند معناسازی مشارکت داشته باشد. این نوع گفت‌وگو با سخنرانی یک‌طرفه تفاوت دارد و نیازمند مهارت‌هایی مانند گوش‌دادن فعال، پرسش‌گری هدایت‌گر، بازتاب دادن سخن دانش‌آموز، و جمع‌بندی تربیتی است (باقری، ۱۳۸۸).

۵. توانمندسازی معلم باید مستمر، نظام‌مند و کاربردی باشد

یکی دیگر از یافته‌ها آن است که توانمندسازی معلمان معارف اسلامی نباید به دوره‌های کوتاه‌مدت و نظری محدود شود. این فرایند باید مستمر، موقعیت‌محور، مبتنی بر مسائل واقعی کلاس درس و همراه با بازخورد حرفه‌ای باشد. کارگاه‌های آموزشی، گروه‌های هم‌اندیشی، درس‌پژوهی، مشاهده متقابل کلاس، و تولید بسته‌های آموزشی کاربردی می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند (صافی، ۱۳۸۹).

۶. الگوی شخصیتی معلم در کنار مهارت حرفه‌ای اهمیت دارد

معلم معارف اسلامی تنها با فنون آموزشی موفق نمی‌شود. صداقت، احترام، انصاف، سعه‌صدر، پابندی عملی به ارزش‌ها و برخورد غیرتحکمی، در پذیرش سخن معلم اثر جدی دارد. دانش‌آموزان بیش از آنکه صرفاً به گفته‌های معلم توجه کنند، به شخصیت و شیوه زیست او نیز نظر دارند. از این‌رو، توانمندسازی باید بعد اخلاق حرفه‌ای و خودسازی معلم را نیز در بر گیرد (مطهری، ۱۳۷۴).

۷. محتوای آموزشی باید با زبان و تجربه نوجوان پیوند بخورد

فهم نوجوان از دین زمانی عمیق‌تر می‌شود که مفاهیم دینی با مصادیق زندگی واقعی او گره بخورند؛ برای مثال، گفت‌وگو درباره صداقت در فضای مجازی، احترام در روابط دوستانه، مسئولیت در خانواده، یا امید در برابر اضطراب‌های تحصیلی، می‌تواند مفاهیم دینی را ملموس‌تر کند. در این مسیر، معلم باید بتواند محتوای رسمی را به زبان کاربردی و تجربه‌پذیر ترجمه کند (احمدی، ۱۳۹۱).

۸. توانمندسازی معلمان معارف اسلامی، پیش‌شرط تحقق اسناد تحولی است

اگرچه اسناد بالادستی بر تربیت تمام‌ساحتی و هویت اسلامی - ایرانی تأکید دارند، اما تحقق عملی این اهداف در گرو معلمانی است که توان تبدیل این مفاهیم کلان به تجربه‌های تربیتی روزمره را داشته باشند. بنابراین، توسعه حرفه‌ای معلمان معارف اسلامی نه یک اقدام جانبی، بلکه یک ضرورت راهبردی در نظام آموزشی است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

توانمندسازی معلمان معارف اسلامی در چهار حوزه روان‌شناسی نوجوان، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، روش‌های نوین تدریس و مهارت گفت‌وگوی آموزشی، از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای ارتقای کیفیت آموزش دینی در مدارس متوسطه است. بررسی مبانی نظری و پژوهشی نشان داد که آموزش معارف اسلامی در روزگار کنونی دیگر نمی‌تواند با الگوهای سنتی، یک‌سویه و محفوظات‌محور به اهداف تربیتی خود دست یابد. نوجوان امروز نیازمند معلمی است که او را بفهمد، به پرسش‌هایش احترام بگذارد، با او گفت‌وگو کند، و مفاهیم دینی را به‌صورت معنادار و کاربردی عرضه نماید.

یافته‌ها نشان داد که شناخت روان‌شناسی نوجوان، پایه ارتباط اثربخش معلم با دانش‌آموز است. معلمی که از تحولات شناختی، عاطفی و هویتی این دوره آگاه باشد، می‌تواند از مقاومت‌ها و ابهام‌های دانش‌آموز تفسیر دقیق‌تری داشته و شیوه برخورد خود را تنظیم کند. همچنین، مهارت پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، نه فقط برای رفع ابهام‌های ذهنی، بلکه برای حفظ اعتماد و رابطه تربیتی اهمیت دارد. در کنار این دو، استفاده از

روش های نوین تدریس و مهارت گفت و گوی آموزشی، امکان مشارکت فعال، تفکر انتقادی، فهم عمیق و درونی سازی ارزش ها را افزایش می دهد.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که معلم معارف اسلامی توانمند، معلمی است که هم دانش دینی دارد، هم نوجوان را می شناسد، هم مهارت تدریس فعال دارد، و هم در گفت و گو، اقناع و همراهی تربیتی تواناست. بنابراین، اگر هدف نظام آموزشی، تربیت نسلی دیندار، متفکر، مسئول و اخلاق مدار است، باید سرمایه گذاری جدی و نظام مند بر توانمندسازی این گروه از معلمان صورت گیرد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. طراحی دوره های تخصصی ضمن خدمت برای معلمان معارف اسلامی در زمینه روان شناسی رشد و ویژگی های نوجوانی.
۲. تدوین بسته های آموزشی پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات دینی نوجوانان با رویکرد تربیتی، اقناعی و متناسب با سن.
۳. برگزاری کارگاه های مهارت گفت و گوی آموزشی شامل گوش دادن فعال، پرسش سازی، مدیریت بحث و پاسخ گویی تعاملی.
۴. آموزش روش های نوین تدریس مانند تدریس مسئله محور، بحث گروهی، روایت محوری، سناریوهای اخلاقی و پروژه های مشارکتی.
۵. ایجاد گروه های هم اندیشی معلمان معارف اسلامی در مدارس و مناطق آموزشی برای تبادل تجربه های موفق و مسائل مشترک.
۶. بازنگری در برنامه های تربیت معلم به گونه ای که دانشجو معلمان معارف اسلامی از آغاز با مهارت های ارتباطی و تدریس فعال آشنا شوند.
۷. استفاده از الگوی درس پژوهی و مشاهده متقابل کلاس برای ارتقای کیفیت تدریس و بازخورد حرفه ای.
۸. توجه به اخلاق حرفه ای و خودسازی معلم در برنامه های توانمندسازی، زیرا الگوی شخصیتی معلم در تربیت دینی بسیار اثرگذار است.



۹. تولید محتوای چندرسانه‌ای و راهنمای آموزشی برای کمک به معلمان در پیوند دادن مفاهیم دینی با مسائل روز نوجوانان.

۱۰. انجام پژوهش‌های میدانی و نیازسنجی مستمر درباره ضعف‌ها و نیازهای واقعی معلمان معارف اسلامی در مناطق مختلف کشور.

منابع

- احمدی، احمد. (۱۳۹۱). تربیت دینی و اخلاقی در مدرسه. تهران: سمت.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۹۳). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حجتی، سیدمحمدباقر. (۱۳۸۷). آموزش و پرورش در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۹). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۰). فرهنگ، عقل و تربیت. تهران: سروش.
- رحیمی، محمد مهدی. (۱۳۹۴). برنامه درسی دینی و چالش‌های آن در آموزش عمومی. تهران: انتشارات مدرسه.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). روان‌شناسی پرورشی: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیرکبیر.
- صافی، احمد. (۱۳۸۹). اصول و مبانی تعلیم و تربیت. تهران: سمت.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۹). روان‌شناسی رشد ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. تهران: سمت.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۲). مبانی برنامه‌ریزی درسی. تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.



وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

